



دکتر محسن اسماعیلی

## تعریف حقوقی مطبوعات شرح و تفسیر ماده اول قانون مطبوعات

«مطبوعات» نامید که در آن صورت از امتیازها و حقوق قانونی مقرر بهره‌مند شده و بتوانند آن را درخواست نمایند و مثلاً تخلف خود را جرم مطبوعاتی دانسته، براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواهان حضور هیأت منصفه در جریان دادرسی خویش شوند.

از سوی دیگر، برای الزام به انجام تکالیف قانونی و مجازات متخلفان، نخست باید به این موضوع پرداخت که آیا اصولاً می‌توان متخلف را مشمول قانون مورد بحث دانست یا نه. به همین جهت واژه‌شناسی حقوقی از سودمندترین مباحث برای دادرسان، وکلا، نهادهای اجتماعی و آحاد افراد جامعه است که، به رغم توسعه مطلوب آن در جهان امروز، در کشور ما از رونق چندانی برخوردار نبوده است. از این روست که متأسفانه در ارائه چهره روشنی از مفاهیم و اصطلاحات قانونی، تلاش

### مقدمه

نخستین مسأله مهم در بررسی قوانین و مقررات، شناخت دقیق «موضوع» آنها، محدوده شمول و به بیان روشن‌تر، تعریف حقوقی سوژه مورد بحث است. به عنوان مثال، پیش از هرگونه بحث و گفت‌وگو پیرامون قانون مطبوعات، باید برای پاسخ به این پرسش آماده بود که «مطبوعات» از دیدگاه قانون، دارای چه تعریفی بوده و شامل چه مصداق‌هایی می‌شوند؟

تبیین دقیق واژه‌های قانون که اصطلاحاً «ترمینولوژی حقوق» خوانده می‌شود از آن جهت ضروری است که قلمرو حکومتی مقررات مورد بحث را روشن می‌نماید و به همگان می‌آموزد که قواعد حقوقی بر چه اموری حاکم بوده یا چه مواردی را در بر نمی‌گیرد. برای نمونه باید دید از دیدگاه قانونگذار، کدام دسته از نشر یافته‌ها را می‌توان

چندانی صورت نگرفته و اگر نه همه، دست‌کم در بسیاری از قوانین ما چنین نقصی قابل مشاهده است.

تأکید بر این نکته ضرورتی ندارد که هرگاه قانون رأساً مبادرت به ارائه تعریف از موضوع‌ها و اصطلاح‌های خویش ننماید، می‌توان با مراجعه به عرف مسلم و نظریه‌های دانشمندان رشته مربوطه (Doctorin) برای رفع حیرت و حل مشکل مدد جست و مشخص ساخت که مثلاً مقصود قانونگذار از «هتک شرف و یا حیثیت و یافشای اسرار شخصی» که در ماده ۳۱ قانون مطبوعات جرم تلقی شده، چه می‌باشد. اما در مواردی که قانون، خود به تعریف موضوع مورد بحث خویش می‌پردازد، چاره‌ای جز پیروی دقیق از آن نیست و نمی‌توان بدون دلیل، به توسعه یا تضییق دایره شمول آن دست یازید و یا حتی به تعریف‌های رایج و علمی آن مسأله استناد نمود.

موضوع این نوشتار نیز از همین قسم است و چون اولین ماده قانون مطبوعات مصوب اسفندماه سال ۱۳۶۴ صراحتاً به بیان قلمرو خود پرداخته است، برای شناخت عناصر تشکیل دهنده مفهوم «مطبوعات» و اینکه چه مواردی را می‌توان داخل یا خارج از آن دانست، چاره‌ای جز تجزیه و تحلیل دقیق آن نص قانونی وجود ندارد. این بررسی، کاستی‌ها را نمایان و راه را برای اصلاح آن هموارتر می‌سازد.

### بررسی تاریخی

پیش از تحلیل حقوقی ماده اول قانون مطبوعات کنونی، به منظور آشنایی با سیر تحول تعریف مطبوعات از دیدگاه قوانین داخلی - که افزون بر آشنایی با روند تاریخی موضوع، برای شناسایی نقاط ضعف و قوت تعریف کنونی نیز سودمند است - یادآوری می‌شود که از زمان شروع نهضت قانون‌نویسی در ایران به معنای اروپایی آن (Codification)، مطبوعات، گذشته از تفسیرها، اصلاحیه‌ها و متمم‌ها شاهد شش قانون ویژه خود بوده‌اند.

۱. قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ه. ق.
۲. قانون مطبوعات مصوب ۱۱/۱۸/۱۲۸۶
۳. لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵
۴. لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴/۵/۱۰
۵. لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۰
۶. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸

در بین قوانین فوق، نخستین قانونی که

## ■ چون اولین ماده قانون مطبوعات مصوب اسفندماه سال ۱۳۶۴ صراحتاً به بیان قلمرو خود پرداخته است، برای شناخت عناصر تشکیل دهنده مفهوم «مطبوعات» و اینکه چه مواردی را می‌توان داخل یا خارج از آن دانست، چاره‌ای جز تجزیه و تحلیل دقیق آن نص قانونی وجود ندارد.

«ماده ۱: از لحاظ این قانون، مطبوعات عبارت از نشریاتی است که به‌طور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف، چاپ و منتشر می‌شود و اخبار و اطلاعات و دیدگاه‌های گوناگون در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی و علمی و فرهنگی و هنری را به آگاهی عموم می‌رساند و از این راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح دانش در رشته خاص کمک می‌کند.»

این متن قانونی نیز در قانون مطبوعات فعلی که در سال ۱۳۶۴ به تصویب رسیده و هنوز هم به قوت خود باقی است، تغییر یافته است که در ادامه، به بررسی آن خواهیم پرداخت.

**تحلیل حقوقی تعریف مطبوعات در قانون فعلی**  
به موجب ماده یک قانون مطبوعات (مصوب اسفند ۱۳۶۴):

«مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.»

چنانکه از تأمل در این ماده به‌دست می‌آید برای تعریف مطبوعات از نظر قانونی، باید به چهار عامل مهم توجه داشت. به بیان دیگر عناصر اصلی برای تحقق موضوع این قانون را می‌توان در چهار چیز خلاصه کرد: انتشار منظم، داشتن نام ثابت، ذکر تاریخ و شماره ردیف و سرانجام انتخاب زمینه فعالیت.

به دلیل اهمیت این عناصر که فقدان هر یک از آنها می‌تواند نشریه‌ای را از تعریف قانونی «مطبوعات» خارج و بنابراین از امتیازات و مزایای آن محروم سازد به بررسی مختصر آنها خواهیم پرداخت:

۱. انتشار منظم نخستین ویژگی

اقدام به ارائه تعریف موردنظر خود از «مطبوعات» نموده است، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵ بوده و در قانون پیشین از صراحتی در این زمینه برخوردار نبوده‌اند.

در این لایحه قانونی که در دوران نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق و براساس حق وی در وضع قانون براساس اجازه مجلس هفدهم تصویب شد،<sup>۱</sup> برای نخستین بار، تعریف زیر صورت گرفته است:

«ماده ۱: روزنامه یا مجله، نشریه‌ای است که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی، فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد صحیح و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به‌طور منظم و در مواقع معین برطبق اجازه نامه طبع و نشر گردد.»

همین تعریف با اندکی تغییر در واژه‌ها، در لایحه قانونی بعدی (مصوب ۱۳۳۴) نیز تکرار گشته است.

«ماده ۱: روزنامه یا مجله، نشریه‌ای است که برای روشن ساختن افکارمردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به‌طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد.» چنانکه ملاحظه می‌شود در این ماده، ضمن تغییرات جزئی و حذف و وصف «صحیح» بعد از کلمه «انتقاد»، عبارت «برطبق اجازه‌نامه» نیز حذف گردیده است. اگر چه ضرورت تحصیل اجازه‌نامه به نحو جدی تری در مواد بعدی تکرار شده است.

این تعریف تا سال ۱۳۵۸ که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، «لایحه قانونی مطبوعات» از سوی شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسید پابرجا مانده و در این تاریخ به شکل زیر تغییر یافت:

■ ماده یک قانون مطبوعات (مصوب اسفند ۱۳۶۴): «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.»

مطبوعات از دیدگاه قانونگذار در آن است که باید «به طور منظم» منتشر گردند. مقصود از انتشار منظم، همانگونه که در ماده نخست آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات توضیح داده شده، آن است که هر نشریه باید با گزینش «یکی از فواصل زمانی»، به رعایت آن همت گمارد. ماده مورد نظر چنین مقرر داشته است که: «مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی زیر منتشر شوند:

روزی یکبار (روزنامه) - هفته‌ای یکبار (هفته‌نامه) - دو هفته یکبار - ماهی یکبار (ماهنامه) - دو ماه یکبار - سه ماه یکبار (فصلنامه) - شش ماه یکبار - سالی یکبار (سالنامه).»

بنابراین، به رغم آنکه انتخاب هریک از این فواصل زمانی به دست صاحب امتیاز سپرده شده و تغییر آن هم با موافقت هیأت نظارت بر مطبوعات بدون مانع است، رعایت فاصله زمانی منتخب، اجباری است. به طوری که بنابر ذیل ماده ۱۶ قانون مطبوعات «عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیأت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.» و حتی «نشریه‌ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد» (تبصره ماده مذکور).

پرسی که می‌توان در مورد فواصل زمانی یادشده در ماده یک آیین‌نامه اجرایی طرح نمود آن است که فواصل یادشده، به عنوان نمونه و مثال است یا جنبه حصری داشته و در نتیجه، انتخاب ترتیب انتشاری به جز آنچه یادشده ممکن و مجاز نخواهد بود؟

آنچه از اطلاق ماده یک قانون مطبوعات و نیز ظاهر ماده اول آیین‌نامه

این صورت مثلاً گردیدن نام «کاغذآخبار» نیز برای یک نشریه مجاز نخواهد بود چه آنکه این نام را قبلاً میرزا صالح شیرازی برای نخستین نشریه ایران برگزیده بوده است.

این سخت‌گیری به منظور حفظ میراث فرهنگی کشور و حمایت از حقوق معنوی پیش‌کسوتان عرصه مطبوعات و برای جلوگیری از اشتباه پژوهشگران در آینده دور، لازم و مفید به نظر می‌رسد و ماده ۲۳ قانون مطبوعات نیز برای تأکید و تحکیم آن مقرر داشته است که «هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود، به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد از انتشار نشریه جلوگیری و مرتکب طبق نظر حاکم شرع محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.» بخش پایانی این ماده از آن جهت که تقلید نام سایر نشریه‌ها را به طور کلی از جرایم خصوصی برشمرده و تعقیب آن را منوط به شکایت شاکی خصوصی دانسته است قابل انتقاد به نظر می‌رسد. زیرا چنانکه گفته شد از سویی اطلاق این ممنوعیت و نیز عمومیت ملاک آن شامل نشریه‌هایی نیز می‌شود که در گذشته دور منتشر شده و جنبه تاریخی و میراث فرهنگی نیز پیدا کرده‌اند و از سوی دیگر، حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی کشور برعهده دولت می‌باشد. بنابراین شایسته است ارتکاب چنین جرمی را (حداقل در محدوده مطبوعات قدیمی) عمومی قلمداد نموده به دولت، سازمان‌های مربوطه یا مدعی‌العموم حق تعقیب آن را تفویض نمایم به‌ویژه آنکه تقلید نام نشریه دیگر، معمولاً به انگیزه بهره‌برداری از سابقه تاریخی و امتیازهای معنوی آن صورت می‌گیرد و این چیزی است که در مورد نشریه‌های قدیمی بسیار بیشتر از نشریه‌های موجود قابل تصور است.

**ب - مانوس بودن نام نشریه.** افزون بر لزوم ابتکاری بودن نام نشریه، همچنین نام نشریه نباید از کلمات نامانوس باشد.<sup>۱</sup> انتخاب نام‌های غیرمتعارف که با رسالت مطبوعات از جمله «روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم» و «ترویج فرهنگ اصیل اسلامی»<sup>۲</sup> در تعارض است یا ایجاد شبهه می‌کند، منافات دارد. مطبوعات آینه تمام نمای فضایل و تجلی فرهنگ یک ملتند و لذا نمی‌توانند بر تارک خود از نامی

اجرای فهمیده می‌شود حاکی از عدم انحصار فاصله‌های زمانی در موارد یادشده می‌باشد. رویه هیأت نظارت بر مطبوعات هم، نشان از آن دارد که تقاضای دیگری همانند انتشار دو یا سه شماره در هفته یا مثلاً چهارماه یکبار نیز با منع قانونی مواجه نبوده و ممکن است مورد موافقت قرار بگیرد. چنین نزاعی در مورد روش‌های مندرج در قانون نیز مطرح است که ماده ۳ آیین‌نامه با پاسخ مثبت خود به آن پایان داده است.

به هر حال، تردیدی نیست که به دلیل ذکر این ویژگی در قانون، صدور پروانه انتشار «گاهنامه»، یعنی نشریه‌ای که دارای فاصله زمانی معین نیست، ممکن نخواهد بود.

**۲. داشتن نام ثابت:** انتخاب نام ثابت برای نشریه نیز که باید از سوی متقاضی نشریه به هیأت نظارت پیشنهاد شده و به تأیید آن برسد از دیگر عناصر اصلی تعریف مطبوعات است. در مورد نام نشریه براساس قوانین موجود باید به نکات زیر توجه داشت:

**الف - ابتکاری بودن نام نشریه.** طبق بند ج ماده ۷ قانون مطبوعات «انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود» ممنوع است. بنابراین نه تنها نام نشریه، نباید عیناً از نام نشریه دیگری تقلید و اقتباس شده باشد بلکه انتخاب نامی که حتی موجب چنین اشتباهی گردد ممنوع شده است. آیین‌نامه اجرایی، پا را از این فراتر نهاده ضمن تأکید بر این ممنوعیت می‌افزاید که نام انتخابی حتی نباید موجب تداعی نام نشریه‌های دیگر باشد.

شاید از اطلاق این منع بتوان چنین استفاده کرد که هر نام در طول تاریخ مطبوعات ایران تنها یک‌بار قابل استفاده بوده و حتی در صورت تعطیلی دائم نشریه‌ای در گذشته دور هم، نمی‌توان از آن نام، مجدداً استفاده کرد. در



## ■ عناصر اصلی برای تحقق ماده یک قانون مطبوعات را می‌توان در چهار چیز خلاصه کرد: انتشار منظم، داشتن نام ثابت، ذکر تاریخ و شماره ردیف و سرانجام انتخاب زمینه فعالیت.

و شماره ردیف برای رعایت نظم و برخی جهات دیگر مفید و حتی ضروری می‌باشد ولی به نظر می‌رسد یادکرد آن به عنوان یکی از عناصر اساسی هویت مطبوعاتی، خالی از وجه است، به‌ویژه آنکه این قانون از ذکر بعضی اوصاف و مشخصات مهم مطبوعات غفلت نموده است.

### ۴. انتخاب زمینه فعالیت: چنانکه

ملاحظه شد براساس ماده نخست قانون مطبوعات، «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که... در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.»

متقاضی انتشار نشریه، می‌تواند یک یا چند مورد از موارد فوق را به عنوان زمینه فعالیت خود انتخاب و به هیأت نظارت بر مطبوعات پیشنهاد نماید. تغییر روش انتخابی با موافقت همان هیأت بلامانع است ولی تا چنین چیزی صورت نگرفته است «مطالب نشریه باید مطابق و متناسب با روش‌های مندرج در پروانه

«سبج»، «ارشاد» و... به دلیل ایجاد شبهه وابستگی به نهادهای مربوطه مورد تأیید هیأت نظارت بر مطبوعات قرار نخواهد گرفت مگر آنکه نشریه مورد نظر واقعاً وابسته به همان نهادها بوده و امتیاز و مسؤلیت آن را نیز برعهده بگیرند که در این صورت با وجود فقدان نص قانونی بر جواز می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

یادآوری این نکته هم سودمند است که به‌رغم امکان تغییر نام نشریه با موافقت هیأت نظارت، «اضافه کردن هرگونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه به‌جز آنچه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکر شده است ممنوع می‌باشد.»<sup>۴</sup>

### ۳. ذکر تاریخ و شماره ردیف. ذکر

«تاریخ و شماره ردیف» نیز از دیگر عناصر لازم برای ورود به دایره «مطبوعات» است. بنابراین حتی اگر مجموعه‌ای به‌طور منظم و با نام ثابت و در زمینه‌ای مشخص، ولی بدون ذکر تاریخ و شماره ردیف چاپ و منتشر گردد. از نظر قانون مطبوعات به رسمیت شناخته نشده و موضوع این قانون به‌شمار نمی‌رود. گرچه وجود تاریخ

استفاده نمایند که از نظر فرهنگ عمومی شناخته شده نیست.

با این استدلال، استفاده از نام‌های مستهجن، زشت و مخالف با شؤنات دینی و ملی نیز به طریق اولی ممنوع بوده و از محدودیت‌های مسلم عرفی برای مطبوعات به‌شمار می‌رود.

### ج - عدم ایجاد شبهه وابستگی به ارگان‌ها یا سازمان‌های دولتی. این

محدودیت نیز با انگیزه جلوگیری از سوءاستفاده از نام ارگان‌ها و سازمان‌های عمومی اندیشیده شده است و قاعدتاً باید شامل نهادهای انقلابی، مؤسسه‌های خیریه و دیگر سازمان‌های خوشنام و معتبر نیز می‌شد. حتی می‌توان گفت به مقتضای انصاف و به‌منظور جلوگیری از تضییع حقوق احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی؛ انتخاب نامی که شبهه وابستگی به آنان را نیز به‌وجود آورد باید ممنوع تلقی شده و نتواند مورد موافقت هیأت نظارت قرار گیرد.

به‌درحال و براساس این بند، انتخاب نام‌هایی نظیر «مخبریات»، «جهادسازی»،

## ■ نخستین قانونی که اقدام به ارائه تعریف موردنظر خود از «مطبوعات» نموده است، لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵ می‌باشد.

استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد است». به این ترتیب باید گفت در بین مطبوعات کشور، تنها روزنامه رسمی است که حتماً باید به زبان فارسی منتشر شود و سایر نشریه‌ها می‌توانند تمام یا قسمتی از مطالب خود را به زبان‌های قومی و محلی منتشر نمایند. □

### منابع:

۱. البته یادآوری این نکته نیز خالی از لطف نیست که در دوران نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق در قانون مطبوعاتی به تصویب رسید. نخستین قانون، مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱. ش (همراه با دو متمم بعدی آن) بود که فقط به مدت دو ماه اجرا شد و دومین قانون در ۱۵ بهمن همان سال تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در بررسی‌های تاریخی که پیرامون قوانین مطبوعاتی در ایران صورت گرفته، اغلب محققان و صاحب‌نظران تنها از قانون ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ ش توسط دکتر مصدق یاد کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون مطبوعات مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ ش عملاً به فراموشی سپرده شد است. ر.ک: «قانون از یادرفته، مسعود کوهستانی بزاد، فصلنامه رسانه، ش ۲۲، ص ۷۴».
۲. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی.
۳. ماده ۲ قانون مطبوعات
۴. تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی.
۵. همان، ماده ۷.
۶. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی.
۷. همان، ماده ۸.

■ نه تنها نام نشریه، نباید عیناً از نام نشریه دیگری تقلید و اقتباس شده باشد بلکه انتخاب نامی که حتی موجب چنین اشتباهی گردد ممنوع شده است.

■ انتخاب نام‌های غیرمتعارف که با رسالت مطبوعات، از جمله «روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم» و «ترویج فرهنگ اصیل اسلامی» در تعارض است یا ایجاد شبهه می‌کند، مناقات دارد.

ضمن رعایت ماده ۲ قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی، مطالبی پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه، جهت بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم درج نمایند.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت و نقش مطبوعات محلی چنین تکلیفی بسیار لازم و سودمند است، اما معلوم نیست که نویسندگان آیین‌نامه به چه دلیل آن را به «روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها» اختصاص داده و از سایر نشریه‌های محلی نظیر ماهنامه‌ها چشم‌پوشی نموده‌اند.

در پایان، یادآوری می‌شود که در تعریف قانونگذار از مطبوعات، «خط و زبان» که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشخصات مطبوعات هر کشور است ذکر می‌شود. به میان نیامده و نقش محوری به آن داده نشده است. اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه چنین می‌گوید:

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی

انتشار باشد و نشریه مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روش‌های مذکور، که تأثیر بر خط مشی کلی نشریه بگذارد، نمی‌باشد.»<sup>۵</sup>

مستنبط از مفهوم مخالف ذیل این ماده، جواز چاپ مطالب و مقالات غیرمتناسب با روش نشریه است مشروط بر آنکه تأثیری بر خط مشی کلی نشریه باقی نگذارد. بنابراین به‌عنوان مثال، استفاده اندک از سرگرمی، جدول و امثال آن در مجله‌های علمی ممنوع نیست همان‌گونه که درج مقاله‌ای علمی در مجله‌های سرگرمی و خانوادگی.

باید توجه داشت که زمینه‌های یادشده در قانون مطبوعات به‌منظور حصر نبوده و تنها جنبه ارائه مثال دارد. بنابراین نشریه‌ها مجبور به پیروی از آن موارد نیستند. البته بدیهی است «انتخاب روش‌هایی غیر از موارد ذکر شده در ماده یک قانون مطبوعات می‌بایست متناسب با رسالت مطبوعات باشد.»<sup>۶</sup>

مطبوعات محلی در این مورد مستثنی بوده و تکلیفی زائد برعهده دارند. زیرا «روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی موظفند

